

پایان فرمانروایی کاسی‌ها و علل فروپاشی آن

محمدتقی ایمان‌پور،* امیر علی‌نیا**

چکیده

فرمانروایی دیرپای کاسی‌ها، که دولت تأثیرگذاری در صحنه آسیای غربی به شمار می‌رفت، با ثبات‌ترین امپراتوری در طول تاریخ بابل باستان بود. شواهد به دست آمده از مصر باستان، بیانگر قدرت و نفوذ بین‌المللی کاسی‌ها در دوره فرمانروایی‌شان بر بابل است، اما حکومت آنان به دلیل مشکلات عدیده‌ی داخلی و حوادثی که در صحنه آسیای غربی باستان اتفاق افتاد، دچار انحطاط و فرسودگی شد. با ضعف حکومت کاسی‌ها، به‌ویژه در دوران حکومت کشتیلیاش چهارم (۱۲۳۵-۱۲۴۲ ق.م)، که قدرت آنان به ضعیف‌ترین حد خود رسیده بود، میان دو حریف نیرومند آشور و ایلام گرفتار شدند. جنگ‌های آنان با آشور و لشکرکشی‌های آشوریان به سرزمین آنان، نیروی نظامی کاسی‌ها را تحلیل برد، تا این‌که حکومت طولانی مدت آنان در میان‌رودان، به دست ایلامیان از هم فرو پاشید. در این مقاله، سعی شده است تا با استفاده از منابع کهن و تحقیقات جدید و با استفاده از شیوه پژوهش‌های تاریخی، به بررسی عوامل داخلی و خارجی، که منجر به فروپاشی فرمانروایی آنان در حدود ۱۱۵۷ ق.م، شد، پرداخته شود. واژه‌های کلیدی: فرمانروایی کاسی‌ها، فروپاشی، میان‌رودان، آسیای غربی، کوه‌های زاگرس.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد. (mimanpour@hotmail.com)

** کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان از دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس دانشگاه پیام نور کوهدشت لرستان. (amir_alinia@ymail.com)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۱۰ - تاریخ تایید: ۹۲/۰۶/۲۶

مقدمه

کاسی‌ها که اکدی‌ها آنها را کاشو می‌خواندند، احتمالاً از گذشته‌های بسیار دور، از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد، در منطقه‌ی زاگرس میانی و لرستان امروزی سکونت داشتند. بیشتر پژوهندگان حوزه‌ی تمدن‌های کهن، عقیده دارند که کوهستان‌های زاگرس، خاستگاه آغازین و زیستگاه اولیه‌ی کاسی‌ها بوده است.^۱ به باور ایلرز آلمانی، لغت‌شناس و نام‌جایی‌شناسی که در مورد لهجه‌ی شمال غرب ایران نیز کار کرده است، معتقد است که شمال لرستان در منطقه‌ی زاگرس، احتمالاً سرزمین اولیه‌ی کاسی‌ها بوده است.^۲ آنان در هر حال موفق شدند در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، بخش‌های زیادی از مناطق زاگرس میانی را به سلطه‌ی خود درآوردند.^۳ شواهدی وجود دارد که پاره‌ای از قبایل کاسی در نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول پیش از میلاد، در سرزمینی که امروزه به عنوان سرزمین مادها شناخته می‌شود، سکونت داشته‌اند.^۴ آنان توانسته‌اند فرمانروایی خود را تا اعماق زاگرس در ایران گسترش دهند، جایی که به عنوان خاستگاه اصلی سکونت آنان شناخته شده است.^۵

به نظر می‌رسد، ورود کاسی‌ها به سرزمین میان‌رودان تحت فشار مهاجران گروه‌هایی از آریایی‌ها انجام شده باشد که در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، از آسیای مرکزی به جنبش درآمده و به سوی غرب یعنی جنوب دریای کاسپین آمده بودند. با ورود کاسی‌ها به سرزمین میان‌رودان، آنان وارد روشنایی تاریخ شدند. آنها با ورود به جلگه‌ی میان‌رودان و تصرف بابل، توانستند طولانی‌ترین فتح خارجی این سرزمین را رقم زنند و با فرمانروایی پانصد و هفتاد و شش ساله‌اشان، نقش مهمی در تاریخ تمدن آسیای غربی بازی کنند.

1. Marlies Hinz, (1995), "Migration und Assimilation im 2. Jt. V. Chr.: Die Kassiten", in *Zwischen Euphrat und Indus. Aktuelle Forschungsprobleme in der Vorderasiatischen Archäologie*, K. Bartl and others Hildesheim/New York, , pp.165-174; Daniel T. Potts, "Elamites and Kassites in the Persian Gulf", *Journal of Near Eastern Studies*, (2006), Vol. 65, pp.111-119; M. Liverani, (1988), *Antico Oriente: Storia, Società, Economia*, Bari-Roma, Laterza, p. 607; Amélie, Kuhrt, (1995), *The Ancient Near East (3000 - 330 B.C.)*, Vols II, by Routledge, London and New York, p. 333.

2. Wilhelm Eiler, (1982), *Geographische Namengebung in und um Iran*, Verlag der Bayerischen Akademie der Wissenschaften, Munich, p. 37.

3. Clare Goff Meade, "Luristan in The first half of The first Millennium B.C", *Journal of Persian Studies*, (1968), Vol. 6, pp. 105-134.

4. Ran Zadok, (2002), *The Ethno-Linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period*, Archaeological Center-Tel Aviv, P. 24.

5. Julian Reade, (1991), *Mesopotamia*, British Museum Press, London, p. 69.

پایان فرمانروایی کاسی‌ها و علل فروپاشی آن ۳

کاسی‌ها با تصرف بابل، سرزمین دریا را نیز فتح کردند و پادشاهی نیرومندی به نام کاردونیاش بنیان نهادند. آنان در نگه‌داری و پویایی تمدن و فرهنگ بابل تلاش‌های فراوانی کردند، در نتیجه، مشروعیتی که برای حکومت در سرزمینی بیگانه لازم بود، به دست آوردند. پادشاهی دیرپای آنان توانست به عنوان قدرتی بین‌المللی، در تحولات آسیای غربی نقش آفرینی کند، اما با قدرت‌گیری آشور و ایلام و مشکلات داخلی حکومت کاسی‌ها، که با تحولاتی از جمله مهاجرت اقوام هند و اروپایی همزمان شده بود، فرمانروایی آنان تضعیف، و نهایتاً توسط ایلامیان به آن پایان داده شد.

عوامل داخلی: عوامل اقتصادی، مذهبی و اجتماعی

مدارک بسیاری مربوط به کاسی‌ها، از بایگانی گوئنا^۱ در شهر نیپور به دست آمده، و شامل نامه‌هایی است که از سوی شاهان و کارمندان عالی‌رتبه به گوئنا فرستاده شده است.^۲ علاوه بر این، الواح نیپور و نوشته‌های کودورو^۳ یا سنگ‌های مرزی نیز اطلاعات مهمی از دوره حکومت کاسی‌ها در بابل، ارائه می‌دهند. کودوروها، در واقع سنگ‌های یادبودی بودند با مضامینی مانند اجازه‌ی واگذاری زمین معینی به یک شخص، یک مقام رسمی، کاهن یا معبد که معافیت از پرداخت مالیات و تعیین وظایف ویژه را نیز شامل می‌شدند. با توجه به فحوای مطالب کودوروها، تا حدودی می‌توان با روش زمین‌داری بابل در دوره کاسی‌ها آشنا شد و می‌توان پی برد که زمین‌ها و املاک، فقط بخشی در دست کاسی‌ها بود و شاهان کاسی همانند پادشاهان پیشین، به اعضای خانواده سلطنتی و کارگزاران دولتی، زمین‌هایی اهدا می‌کردند.

اما با تجزیه‌ی جوامع اشتراکی کاسی، مالکیت خصوصی اراضی استحکام یافت و پادشاهان زمین‌هایی را که غالباً متعلق به کاسی‌ها بود و به جوامع اشتراکی واگذار شده بود،

1. Guenna.

2. Robert D. Biggs, "A Letter from Kassite Nippur", *Journal of Cuneiform Studies*, (1965), Vol. 19, No. 4, pp. 95; Hermann Gasche and others, (1998), "Dating the Fall of Babylon", in *Mesopotamia History and Environment*, Editors L. De. Meyer and H. Gasche, University of Ghent, 36-38; A. Leo A. Leo, Oppenheim, (1967), *Letters from Mesopotamia*, University of Chicago, p.16.

3. Kuduru.

به صورت مادام‌العمر به کارگزاران خود بخشیدند.^۱ احتمالاً با ورود کاسی‌ها به بابل و شکل‌گیری حکومت آنان، نظام زمین‌داری کهن بابل منسوخ شده است. عامل این تجزیه، بدون تردید سیاست فاتحان سامی غربی و به دنبال آنان کاسی‌ها بود، که صاحب‌منصبان و ملتزمان نیرومند خود را بر روی املاک سراسر کشور اسکان می‌دادند؛ بدین ترتیب، نظام دیرین زمین‌داری به تدریج جای خود را به مالکیت خصوصی می‌داد که به دلایل سیاسی مورد حمایت شدید پادشاهان بود.^۲

احتمالاً با شکل‌گیری این شیوه، زمین‌داری خصوصی و نفوذ صاحب‌منصبان دولتی بر املاک کشور، مصادره زمین‌ها نیز رواج گرفت. هرچند که از دوران حمورابی و شاهان پیشین، به دلایل وابستگی‌های طایفه‌ای، سیاست مصادره، به ندرت در بابل اعمال می‌شد، اما به نظر می‌رسد به دلیل عدم وجود پیوستگی نژادی کاسی‌ها با قسمت اعظم ساکنین بابل، آنان چنین ملاحظه‌ای را نداشتند و مصادره اموال به شدت در این دوره دنبال می‌شد.^۳ به نظر می‌رسد، کودوروها، مالکین زمین در بابل زمانه‌ی پادشاهان متأخر کاسی، کارهای عام‌المنفعه‌ای را به صورت بیگاری، هم برای ملک خود و هم برای ناحیه‌ی محلی که در آن زندگی می‌کردند، انجام می‌دادند و چراگاه‌هایی را در اختیار گله و رمه‌ی پادشاه یا حاکم قرار داده و مالیات‌های مربوط به آبیاری زمین و محصول را پرداخت می‌کردند، مگر در شرایط خاص که از معافیت ویژه‌ی برخوردار می‌شدند.^۴

علاوه بر بحث زمین‌داری و پیامدهای آن در دوره کاسی‌ها، از همه‌ی محصولات زراعی و باغی، علوفه، شکار، صید، تجارت و عواید صنعتی مالیات گرفته می‌شد که در کل، مجموع این عواید، بسیار زیاد بود و حتی برخی شهرها همانند بابل و سیپار وضعیت مالیاتی جداگانه‌ای داشتند.^۵ در این میان، برخی از بزرگان دریافت مالیات‌های شاهی را به اجاره می‌گرفتند و بدون هیچ رحم و شفقتی مردم را غارت می‌کردند.^۶

۱. کاژادن و دیگران، (۱۳۷۹)، تاریخ جهان باستان، ج ۱، ترجمه صادق انصاری و دیگران، تهران: فردوس، ص ۲۱۱-۲۱۰.

2. Leonard William King, (1969), *A History of Babylon, From The Foundation of the Persian Conquest*, AMS Press, New York, pp. 249-251.

3. *A History of Babylon, From The Foundation of the Persian Conquest*, p. 251.

4. Ibid, p. 249.

5. Gwendolyn Leick, (2003), *The Babylonians: An Introduction (Peoples of the Ancient World)*, by Routledge, London and New York, P. 48.

۶. تاریخ جهان باستان، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۰.

پایان فرمانروایی کاسی‌ها و علل فروپاشی آن ۵

مذهب نیز که همواره عنصر ریشه‌داری در میان‌رودان باستان به ویژه سرزمین بابل بوده، در انحطاط حکومت کاسی‌ها نقش مهمی بازی کرده است. به طوری که حتی در دوره پادشاهان سلسله اول، برای مردوک خدای بابل، سلاح‌های بیشماری از زر سرخ فراهم می‌شد و هزینه‌های بسیاری برای امور مذهبی صرف می‌شد.^۱ پادشاهان کاسی نیز با ورود به سرزمین میان‌رودان، فعالانه رسومات و آیین‌های مذهبی بابلیان را حفظ و ترویج کرده و حتی تعدادی از اعضای خانواده سلطنتی را در مقامات مذهبی منصوب کردند.^۲ بابل در این ایام، به مرکزی تجارتي و مذهبی تبدیل شده بود که با توجه به مدارای مذهبی کاسی‌ها، احتمالاً بیشتر مناصب دینی پایین دست جامعه، توسط بابلیان اداره می‌شد. با توجه به اینکه کاسی‌ها متحدانی در میان روحانیون بابلی و مخصوصاً روحانیون مقدس شهر نیپور داشته‌اند، توجه بیش از حد به امور مذهبی و نفوذ بی‌اندازه آن، باعث ساختن پرستشگاه‌های متعدد از نو می‌شد که این وضعیت منجر به تشدید بیگاری به نفع دربار شاهی می‌شد.^۳ رونق اقتصاد شاهی و خصوصی، که زائیده غارت جوامع اشتراکی و اعضای آن بود و از سوی دیگر، تجدید بازرگانی سلطنتی منجر به فشار بیشتر بر مردم می‌شد.^۴

متأسفانه وضعیت اجتماعی در این دوره، چندان شناخته شده نیست؛ به همین خاطر ما از وضعیت بردگان جامعه اطلاع چندانی نداریم. از نظر قبایل گوتی و لولوبی، سومریان و اکدی‌ان ظالم و ستمگر بودند چون قبایل مذکور را به عنوان مخزنی برای برده‌داری خود می‌دانستند.^۵ در روزگار سومریان، بردگی در میان‌رودان رسم شناخته شده‌ای بود، بردگان دارای اربابانشان بودند و در معابد و کاخ‌ها، در جهت منافع خود از آنان استفاده می‌کردند، حتی والدین می‌توانستند فرزندان خود را در مواقع نیاز به صورت برده بفروشند.^۶ بنابراین به دلیل وجود نظام برده‌داری در میان دولت‌های پیشین میان‌رودان، برده‌داری نمی‌توانسته در دوره‌ی کاسی‌ها ادامه نداشته باشد. احتمالاً بردگی در این دوران، همانند دیگر

1. A. Leo Oppenheim, (1964), *Ancient Mesopotamia: Portrail of a Dead Civilization*, University of Chicago Press, pp. 205 - 506.

2. *The Ancient Near East (3000 - 330 B.C)*, Vols II, p. 338.

۳. تاریخ جهان باستان، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴. همان، ص ۲۱۱.

۵. دیاکونوف، (۱۳۸۳)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۱۸.

6. Samuel Noah Kramer, (1963), *The Sumerians*, University of Chicago Press, p. 78.

حکومت‌های سابق میان‌رودان، همچنان ادامه پیدا کرده است. واژه (Bura) در زبان اورارتویی که به معنی برده می‌باشد، احتمالاً دارای منشاء کاسی است.^۱

عوامل خارجی و فروپاشی پادشاهی کاسی‌ها

فشارهای وارده‌ی داخلی بر مردم و فشارها و تهدیدات خارجی، اوضاع داخلی را به شدت دچار تشتت و آشفتگی کرد و باعث شد که مردم دست به شورش بزنند. پسر بورنابوریش که جانشین پدرش شده بود در این شورش کشته شد.^۲ پادشاه مقتول کر - ایندش^۳ (۱۴۱۵ ق.م) نام داشته که اغلب او را شانزدهمین پادشاه سلسله کاسی‌ها می‌دانند. با قتل او، نزی‌بوگاش^۴ (۱۳۳۳ ق.م) فردی کاسی اما گمنام بر تخت سلطنت نشست، اما در این دوران دوران آشفتگی، آشور اوبالیت (۱۳۲۸-۱۳۶۳ ق.م)، پادشاه آشوری که به شورش دامن زده بود به بابل حمله کرد و نزی‌بوگاش را اعدام کرده و احتمالاً نوه کوچکش کوریگالزوی دوم (۱۳۲۴-۱۳۴۵ ق.م) را بر تخت پادشاهی نشانید ولی تلاش آشور برای اداره بابل به شدت موقتی و گذرا بود،^۵ زیرا بابل همچنان به عنوان یک قدرت جهانی نقش آفرینی می‌کرد. دوره کوریگالزوی دوم تا کشتیلیاش را باید نقطه عطفی در میان فرمانروایان کاسی دانست،^۶ زیرا شانه‌های یک تندیس آهکی در شوش پیدا شده که نام کوریگالزو بر آن حک شده است و او با افتخار، خودش را دارنده‌ی شوش، ایلام و ساقط‌کننده‌ی مَرهشی^۷ در فلات ایران معرفی کرده است.^۸ کوریگالزوی دوم، حتی حمله انلیل نیرواری (۱۳۱۸-۱۳۲۷ ق.م)، پسر آشور اوبالیت پادشاه آشوری را نیز درهم شکسته است، اما به نظر می‌رسد پس از وی، امپراتوری کاسی‌ها دچار زوال و انحطاط شده باشد. خصوصاً از

۱. اقرار علیوف، (۱۳۸۸)، *پادشاهی ماد*، ترجمه کامبیز میربهاء، تهران: ققنوس، ص ۲۴۴.

2. Michael Roaf, (1996), *Cultural Atlas of Mesopotamia*, Andromed Oxford Limitewd, Oxford, p. 141.

3. Kara-indaš.

4. Nazibugaš.

5. *The Ancient Near East (3000-330 B.C)*, Vols II, p. 352; Jean - Jaccques Glassner, (2004), *Mesopotamian Chronicles*, Edited by Benjamin R. Foster, Society of Biblical Literature Atlanta, p.179.

6. *Cultural Atlas of Mesopotamia*, p.142.

28. Marhashi.

8. A. Spycket, (1995), "Kassite and Middle Elmite Sculpture", in *Later Mesopotamia and Iran: Tribes and Empires (1600 - 539 B.C)*, Edited by John Curtis, , British Museum Press, p. 26.

پایان فرمانروایی کاسی‌ها و علل فروپاشی آن ۷

دوره نزی مروتش^۱ (۱۲۹۸-۱۳۲۳ ق.م.) که به جای گوریگالزوی دوم شاه شده بود؛ زیرا کاسی‌ها دیگر قدرت روزگار آگوم دوم را نداشتند.

در حدود ۱۳۸۰ ق.م. سوپیلولیوماس اول شاه هیتی، به سمت جنوب و به دولت میتانی که در آن اواخر به دلیل بلواهای داخلی در درون قلمرو خود ضعیف شده بود، حمله کرد، که در نتیجه‌ی آن پادشاهی میتانی‌ها، از نقشه‌ی تاریخ محو شد.^۲ با سقوط پادشاهی میتانی‌ها، نفوذ آنان بر قلمرو آشور و سرزمین‌های شمالی و غرب به پایان خود رسید. در نتیجه، آشوریان به استقلال رسیدند. از این زمان، فرمانروایی آشور وارد دوران میانی خود شد؛ دوره‌ای که در آن آشوریان به رقیبی قدرتمند در مقابل پادشاهی کاسی‌ها تبدیل شدند. این امر به گشایش دوره‌ای جدید، در تاریخ میان‌رودان باستان انجامید؛ دوره‌ای که در آن دو دولت با قدرت متوسط یعنی آشور و بابل بر میان‌رودان حکومت می‌کردند و این وضع تا سده هشتم ق.م. همچنان ادامه داشت.^۳

در روزگار حکومت کشتیلیش چهارم (۱۲۳۵-۱۲۴۲ ق.م.)، کاسی‌ها به کمترین حد قدرت خود رسیدند. با استفاده از این اوضاع پریشان، آشور به بابل حمله کرد و براساس یک روایت، حدود هفت سال صحنه گردان حوادث میان‌رودان باستان شد تا این‌که، نواحی جنوبی دست به شورش و طغیان زدند.^۴ توکولتی‌نینورتای اول (۱۲۰۷-۱۲۴۳ ق.م.) در کتیبه‌ای گزارش کرده است، که من سپاهیان کشتیلیش را درهم شکستم و او را دست بسته به پیشگاه خدایم آشور بردم.^۵ این پیروزی، دست‌مایه‌ی تنها داستان حماسی آشوریان شد که در آن کشتیلیش متهم شده بود که نقض پیمان کرده، پس سزاوار بود تا خدایان، شورش را ترک کنند و او شکست بخورد.^۶

1. Nazi - Maruttash.

۲. دان، ناردو، (۱۳۸۵)، *بین‌النهرین باستان*، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس، ص ۴۶.

۳. لوکاس - روبرتوس دوبلوئیس و وان دراسپیک، (۱۳۸۲)، *دیباچه‌ای بر جهان باستان*، ترجمه مرتضی ناقب‌فر، تهران: ققنوس، ص ۵۸.

4. Georges Roux, (1964), *Ancient Iraq*, Gorge Allen & Unwin Ltd, London, , pp.198 - 201.

5. Daniel David Lukenbill, (1926/27), *Ancient Records of Assyria and Babylonia*, Vols II, University of Chicago Press, pp. 5. 52; Thompson. R Campbell and M. E. L. Mallwan, "The British Museum Excavation at Nineveh", *Lirverpool Anal of Archeology and Anthropology*, (1931/32), Vol. 20, pp.131-132.

6. *Ancient Iraq*, p. 216; *Mesopotamian Chronicles*, p.179.

باری، با مداخله‌ی آشوریان سه پادشاه کاسی به نام‌های انلیل نادین‌شومی^۱ (۱۲۲۴ ق.م) حدود هیجده ماه، کدشمن خرب دوم^۲ (۱۲۲۲-۱۲۲۳ ق.م)، حدود هیجده ماه، و آداد شوم آیدین^۳ (۱۲۱۶-۱۲۲۱ ق.م)، حدود شش سال حکومت کردند. هر کدام با دوره‌ی حکومت کوتاه مدتشان، جای خود را به دیگری داده‌اند. در این دوره، برخی مواقع دولت آشور موفق به تسخیر بابل می‌شد، اما این تسلط موقتی و گذرا بود و سرانجام به شکست آشور منتهی می‌شد. کشتیلیاش چهارم در میان دو دشمن آشوری، آشور اوبالیت^۴ و اونتاش‌گال^۵ ایلامی (۱۲۷۵-۱۲۴۰ ق.م) گرفتار شده بود. از پایان حکومت این پادشاه کاسی، حدود سال ۱۲۳۵ ق.م. تا به حکومت رسیدن اددشوم اصور، بابل وارد یک دوره‌ی پانزده ساله‌ی ناآرامی شد، که به نظر می‌رسد فرمانرویان آشوری مسئول اصلی این ناآرامی‌ها باشند.

آشوریان که از هزینه‌ی لشکرکشی‌های توکولتی‌نینورتای اول خسته شده بودند، به اتفاق آشور نصیرآپلی^۶ و شخصیت‌هایی از آشور، علیه پادشاه آشور طغیان کردند و او را به قتل رساندند.^۷ از آنجایی که قوام فرمانروایی آشور، نیازمند رهبران موفق نظامی بود؛ در نتیجه، با قتل توکولتی‌نینورتای اول، وضع داخلی آشوریان دچار آشفتگی و پریشانی گشت. کاسی‌ها با بهره‌برداری از این اوضاع، خود را از زیر یوغ آشوری‌ها نجات دادند. در این روزگار، سه پادشاه پیاپی در سرزمین آشور به حکومت رسیدند، که به نظر می‌رسد اوضاع در آشور نیز دچار تشتت و آشفتگی شده بود.

اددشوم اصور پادشاه کاسی‌ها، که حکومتش مرهون شورش اشراف کاسی برضد آشور بود؛ در نبردی انلیل کودور اصور پادشاه آشور را شکست داد و او را به قتل رساند و با عقب‌نشینی آشور به دنبال آنها شتافت؛ تا این‌که در مجاورت شهر آشور با آنان به نبرد پرداخت، اما به علت شیوع طاعون یا آتش‌سوزی، مجبور به عقب‌نشینی شد و به بابل بازگشت.^۱ بعد از اددشوم اصور،^۲ ملی‌شیپک^۳ (۱۱۷۴-۱۱۸۸ ق.م) به حکومت رسید، که

1. Enlil -Naddin-Sumi.

2. Kadashman-Kharab.

3. Adad - shum - Iddina.

4. Ashur - ubalit.

5. Untash - gal.

6. Ashur - Nasir - Apli.

7. *Ancient Iraq*, p. 217; Matthew W Stolper, (1984), "Political History", in *Elam: Surveys of Political History and Archaeology*, Carter E and M. Stolper, University of California Publications, p.39.

پایان فرمانروایی کاسی‌ها و علل فروپاشی آن^۹

توانست در دوران حکومت حدود چهارده ساله خود، در یک نبرد پیروزمندانه، آشوریان را شکست دهد. جانشین او مردوک آپل ایدین اول^۴ (۱۱۶۱-۱۱۷۳ ق.م)، نیز روابط معمول تجاری بابل با همسایگانش مانند ایلامیان را همچنان برقرار نمود. اوضاع بابل در این ایام نسبتاً آرام بود؛ اما شمارش معکوس مرگ فرمانروایی دیرپای کاسی‌ها، شروع شده بود. پس از حکومت حدود دوازده ساله مردوک آپل ایدین اول، زَبَب شوم آیدین^۵ سی و پنجمین پادشاه کاسی، در حدود ۱۱۶۰ ق.م. روی کار آمد. در این ایام، اوضاع در پادشاهی کاسی‌ها به شدت رو به وخامت نهاده بود. همچنین کوتاهی دوران حکومت او نشانگر اوضاع آشفته‌ی فرمانروایی کاسی‌ها می‌باشد. دوران حکومت بسیار کوتاه این پادشاه، تنها در فهرست شاهان، ثبت شده است.^۶

باری، پادشاهی کاسی‌ها در میان‌رودان در این دوره، به شدت دچار ضعف شده بود. همچنین در این اواخر، تسلط سیاسی کاسی‌ها بر بابل بسیار تضعیف شده بود؛ به طوری که ایالات پیرامونی، از کنترل مؤثر دولت خارج شدند.^۷ در این دوران، آشوردان اول^۸ (۱۱۳۳-۱۱۷۸ ق.م) به جای نینورتا - آپل - اُصور^۹ (۱۱۷۹-۱۱۹۱ ق.م)، پادشاه آشور شده بود. آشوردان اول با حکومت حدود چهل و پنج ساله خود، توانست از اوضاع آشفته بابل استفاده کند. بنابراین از زاب سفلی عبور کرده و شهرهای زابن،^{۱۰} ایریا^{۱۱} و اوگارسَلو^{۱۲} را متصرف شده و پایتخت زَبَب شوم آیدین را غارت کند.^{۱۳}

1. *A History of Babylon, From The Founder of the Persian Conquest*, p.244.

2. Adad-shuma-usur.

3. Meli-shipak.

4. Marduk-apla-iddina.

5. Zababa-shuma-iddina.

6. A. Leo Oppenheim, (1950), *Babylonian and Assyrian Historical Texts*, University of Princeton Press, P. 273.

7. John A. Brinkman, (1976), *Materials and Studies for Kassite History, 1: A Catalogue of Cuneiform Sources Pertaining to Specific Monarch of the Kassite Dynasty*, Oriental Institute of the University of Chicago, pp. 321 - 322; "Political History", p.40.

8. Ashur - Dan.

9. Ninurta - Apil - Usur.

10. Zaban.

11. Irriya.

12. Ugarsallu.

13. *Materials and Studies for Kassite History, 1: A Catalogue of Cuneiform Sources Pertaining to Specific Monarch of the Kassite Dynasty*, pp. 321 - 322; Political History, p.40.

ناتوانی پادشاهی کاسی‌ها و اوضاع آشفته داخلی کشورشان، زمینه را برای فتوحات بیشتر ایلامی‌ها در میان‌رودان، فراهم کرد. در میانه‌ی سده‌ی سیزده، اوضاع بحرانی بابل که مورد تهدید همسایگانش بود با ظهور ناگهانی دولت ایلام در صحنه سیاست پس از غیبتی چهارصد ساله، وخیم‌تر شد.

ایلامیان تا زمانی که پادشاهی کاسی‌ها از توانمندی لازم برخوردار بود، نمی‌توانستند به سرزمین آنان حمله‌ی نظامی کنند. چنان‌که در دوران ایلام میانی، به دلیل وجود حاکمان قدرتمند در میان‌رودان، قدرت گاهی در دست ایلامیان و گاهی در اختیار ساکنان میان‌رودان قرار می‌گرفت، اما به دلیل قدرتمند شدن ایلام، شاهد هستیم که تپتی‌اهر^۱ (۱۴۰۰ ق.م)، شاه ایلامیان، خود را آزاد کننده کشور ایلام از یوغ سلاطین کاسی میان‌رودان می‌داند و به این لقب، فخر و مباهات می‌کند.^۲ پس از او، پادشاهی به هورپتیلای^۳ (۱۳۵۰-۱۳۳۰ ق.م)، شاه ایلامیان، رسید که حدود بیست سال پادشاهی کرد، اما کوریگالزوی^۴ دوم، شاه کاسی، به ایلام لشکر می‌کشد و با فتح شوش در حدود سال ۱۳۳۰ ق.م، حکومت وی را منقرض می‌کند.^۵

پس از حمله کوریگالزوی دوم، سلسله ایگ‌هلکی^۶ (۱۳۵۰-۱۲۱۰) در ایلام به قدرت رسید. پهرایشان اول^۷ (۱۳۳۰ ق.م)، دومین پادشاه سلسله ایگ‌هلکی احتمالاً معاصر نزی مروتش پادشاه کاسی‌ها بود؛ سلطنت حدود بیست و پنج ساله‌ی نزی مروتش را همچنان که گفته شد، باید به احتمال زیاد دوره‌ی انحطاط واقعی امپراتوری کاسی‌ها به حساب آورد، اما کاسی‌ها همچنان در سرزمین ایلام نفوذ داشتند تا این‌که پهرایشان پسر ایگ‌هلکی، ایلام را از زیر سلطه‌ی کاسی‌ها نجات داد. در دوران سلسله‌ی ایگ‌هلکی، هومبان نومن اول^۸ (۱۲۲۶-۱۲۸۵ ق.م)، با دختر کوریگالزوی اول احتمالاً میشیم رو^۹

1. Tapti-ahar.

۲. عزت‌الله نگهبان، (۱۳۷۵)، شوش کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۲۶۵.

3. Hurpatila.

4. Kurigalzu.

5. Walther, Hinz, (1972), *The Lost world of Elam*, Sidgwick and Jackson, London, p. 111.

6. Ige-halki.

7. Pahir-iššn.

8. Humban-nmmena.

9. Mishim-ruh.

پایان فرمانروایی کاسی‌ها و علل فروپاشی آن ۱۱

ازدواج کرد، که از این ازدواج، اونتاش‌ناپیریشا^۱ پادشاه ایلام به دنیا آمد.^۲ اونتاش‌ناپیریشا تصمیم گرفت با افول قدرت کاسی‌ها، به بابل حمله کند. او در عهد کشتیلیش چهارم، که قدرت بابل به ضعیف‌ترین حد خود رسیده بود، به توپلیش^۳ شهری در منطقه ایشونا^۴ حمله برد و آن را ویران کرد و کشور ایلام را از استیلای بابل نجات داد.^۵ گفته می‌شود توپلیش نام شهر یا منطقه‌ای در شرق دجله، واقع در شمال شهر^۶ بود.^۷

ایلامیان در دوره‌ی کیدن‌هوترن^۸ (۱۲۲۲-۱۲۴۲ ق.م)، آخرین پادشاه سلسله ایگ‌هلکی، توانستند نفوذ خود را تا حدود بابل در جنوب ادامه دهند. در بابل پس از مرگ کشتیلیش چهارم، توکولتی‌نینورتای اول^۹ آشوری، اِنلیل‌نادین شومی پادشاه کاسی را بر تخت بابل نشاند. وضعیت داخلی بابل در این ایام به شدت آشفته بود. کیدن‌هوترن در ۱۲۲۴ ق.م، به میان‌رودان حمله کرد و شهر نیپور را فتح و همچنین ساکنان آن را قتل‌عام نمود؛ به طوری که شاه کاسی‌ها مجبور به فرار شد، اما باز آشوریان که احساس خطر می‌کردند، کنترل بابل را در دست گرفتند و در ۱۲۲۶ ق.م. کاداشمن از اقوام خرب کاسی را به عنوان امیر دست‌نشانده خود در بابل، روی کار آوردند.^{۱۰} پس از کاداشمن خرب دوم، آدد شوم‌ایدین (۱۲۱۹-۱۲۲۴ ق.م)، به پادشاهی رسید. حکومت حدود پنج ساله او، نشان از اوضاع بحرانی امپراتوری کاسی‌ها داشت.

توکولتی‌نینورتای اول، به دلیل حمله ایلام به دولت کاسی‌ها، که دست‌نشانده شاهان آشوری بود، به سرزمین ایلام حمله کرد. پادشاه آشوری تا خلیج فارس پیش راند، به‌گونه‌ای که کیدن‌هوتران و سلسله ایگ‌هلکی‌ها ناگهان از صفحه‌ی تاریخ محو شدند.^{۱۱}

1. Untaş-napiriša.

2. Daniel. T, Potts, (1999), *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, Cambridge University Press, p. 212.

3. Tupliš.

4. Ešnunna.

5. *The Lost world of Elam*, p. 115.

6. Dêr.

7. *Political History*, p. 38.

8. Kidin - Hutran.

9. Tukulti-ninurta.

10. *Materials and Studies for Kassite History, 1: A Catalogue of Cuneiform Sources to Specific Monarch of the Kassite Dynasty*, pp. 125-126.

11. René, Labat, (1963), "Elam c. 1600 - 1200 B.C.", in *Cambridge Ancient History*, Chapter 29. Revised Edition of Volumes 1 & 2. Vol. 2, Chapter 29, Cambridge University Press, pp. 12-13.

پس از یک دوره آشفتگی در ایلام، سلسله شوتروکی به رهبری هلو توش اینشوشیناک^۱ به ۱۲۰۵ ق.م. روی کار آمد. با قتل توکولتی نینورتای اول، رهبر نظامی آشور، و آشفتگی‌های داخلی که گریبانگیر پادشاهی آشور شد و کارها بر وفق مراد ایلامیان پیش رفت؛ در نتیجه، شاهان بعدی ایلامی، فرصت یافتند که به حملات بعدی خود علیه کاسی‌ها، ادامه دهند.^۲

با مرگ توکولتی نینورتای اول آشوری، آددشوم اوصور (۱۱۸۹-۱۲۱۸ ق.م) بر تخت سلطنت بابل تکیه زد و قدرت قانونی خاندان سلطنتی کاسی به آنان بازگشت به گونه‌ای که حتی بر رقیب قدرتمندشان آشور نیز برتری یافتند.^۳ در واقع حکومت طولانی مدت آددشوم اوصور، که حدود سی سال طول کشید، به دلیل ضعف امپراتوری آشور بود. عمده‌ی فتوحات ایلامیان در قرن دوازده پیش از میلاد، توسط شاهانی همانند شوتروک ناهوتنه اول^۴ و شیلهاک اینشوشیناک انجام گرفت. بعد از آددشوم اوصور، ملی‌شیپک دوم به پادشاهی کاسی‌ها رسید و حدود چهارده سال پادشاهی کرد. در سرزمین ایلام، شوتروک ناهوتنه اول (۱۱۷۱-۱۲۰۷ ق.م)، به جای هلو توش اینشوشیناک (۱۲۰۸-۱۲۲۱ ق.م)، پادشاه ایلام شده بود. با استناد یک نامه، شوتروک ناهوتنه اول با دختر بزرگ ملی‌شیپک یا ملی‌شیهو پادشاه کاسی‌ها ازدواج کرد.^۵ او از این واقعت آزرده خاطر شده بود که چرا با این‌که از سوی مادر از تبار شاهان کاسی است، اما نمی‌تواند بر تخت شاهی بابل تکیه زند، پس به خاطر این‌که شاهان بابل پاسخ مؤدبانه‌ای به این پیشنهاد او که پادشاه بابل شود، ندادند، بسیار عصبانی شد.^۶

1. Halludush-inshushinak.

2. *The Babylonians: An Introduction (Peoples of the Ancient World)*, p. 50.

3. John A. Brinkman, (1968), *A Political History of Post - Kassite Babylonia (1158-722 B.C)*, *Analecta Orientalia* 43, Rome: Pontificium Institutum Biblicum, p. 87.

4. Shutruk-nahhunte.

5. *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, p. 233; *Materials and Studies for Kassite History, 1: A Catalogue of Cuneiform Sources Pertaining to Specific Monarch of the Kassite Dynasty*, pp. 253 - 255; M. J Steve, and F. Vallat, (1989), "La dynastie des Igihalkides: Nouvelles interprétations", in *Archaeologia Iranica et Orientalia: Miscellanea*, Edited by Honorem Louis Vanden Berghe, Léon De Meyer and Ernie Haerinck, Ghent, pp. 223 - 238.

6. *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, p.233.

پایان فرمانروایی کاسی‌ها و علل فروپاشی آن ۱۳

اوضاع در سرزمین کاسی‌ها به شدت آشفته شده بود، به طوری که شاهان ایلامی ادعای سروری و حکومت بر بابل را داشتند. پس از حکومت چهارده ساله‌ی ملی‌شیپک، مردوک آپل‌ایدین اول به عنوان پادشاه بابل، بر تخت سلطنت نشست. با پایان یافتن حکومت حدود دوازده ساله مردوک آپل‌ایدین اول، زَبب شوم‌ایدین، سی و پنجمین شاه کاسی‌ها، به قدرت رسید. ایلام که شاهد سقوط آرام آرام سلسله کاسی‌ها بود، تصمیم گرفت به میان‌رودان حمله کند. در این ایام، شوتروک‌ناهونته همراه پسر ارشدش کوتیرناهونته^۱ در ۱۱۶۰ ق.م، احتمالاً از دیر یا بدره امروزی به میان‌رودان حمله کردند. گزارش‌های بعدی بابلیان، خاطره هولناک ایلامیان که با اسب و آرابه از کوه‌ها سرازیر شده بودند، ثبت کرده‌اند؛ اما از گزارش شوتروک‌ناهونته در مورد این لشکرکشی، چیز زیادی برجای نمانده است.^۲ براساس یک استل ایلامی شوتروک‌ناهونته از رود کرخه^۳ عبور کرده و اوپیس^۴ در شمال بابل، دورکورینگالزو^۵، سیپار^۶، دورشروکین^۷، اشنونا^۸ و شاید اکد را غارت کرد.^۹ در نتیجه، حکومت زَبب شوم‌ایدین، سی و پنجمین پادشاه کاسی در ۱۱۵۸ ق.م. سقوط کرد. شوتروک‌ناهونته تاج و تخت بابل را به پسرش کوتیرناهونته واگذار کرد.^{۱۰} ایلامیان بسیاری از آثار تاریخی بابل، همانند کودوره‌های شاهان کاسی، ستون پیروزی نارام‌سین، پیکره منیشتوسو شاه اکد، قانون نامه‌ی حمورابی را از میان‌رودان به شوش آوردند. ایلامیان از سرزمین کرّ - یندش^{۱۱} احتمالاً همان کرند امروزی، شهری از استان کرمانشاه، پیکره‌ی ملی‌شیخو شاه کاسی‌ها و ستون دیوریت مانیشتوسو^{۱۲} را به شوش منتقل کردند.^{۱۳}

1. Kutir-nahhant.

2. *The Lost world of Elam*, p. 125.

3. Karkeh.

4. Opis.

5. Dur - kurigalzu.

6. Sippar.

7. Dur - Sharukin.

8. Eshnunna.

9. Hayim Tadmor, "Historical Implications of The Correct Rendering of Akkadian Daku", *Journal of Near Eastern Studies*, (1958), Vol. 17, pp. 129 - 141.

10. *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, P. 233.

11. Kara - indaš.

12. Manishtusu.

13. "Political History", p. 40.

کوتیرناهونته در بابل ولیعهد شد و حکومت ایلامی سخت‌گیرانه‌ای برپا کرد، اما چون وضعیت آنان هنوز استوار نبود کوتیرناهونته، انلیل نادین‌آهی^۱ کاسی را پادشاه بابل کرد.^۲ اما بابلیان به رهبری انلیل نادین‌آهی بر ضد پسر و جانشین شوتروک ناهونته شورش کردند.^۳ مورخان رسمی بابلی، نیز لقب شاه بابل یا شاه سومر و اکد را به انلیل نادین‌آهی دادند.^۴ انلیل نادینه‌آهی، سی و ششمین شاه کاسی‌ها، خود را شاه سومر و اکد نامید، اما ایلامیان به رهبری کوتیرناهونته دوباره به بابل حمله کردند و پایتخت و مراکز مذهبی آنان را غارت کردند. انلیل نادین‌آهی همراه با سران بزرگ بابلی اسیر شد و با مرگ یا قتل او در اسارت، در ۱۱۵۵ یا ۱۱۵۷ ق.م. فرمانروایی پانصد و هفتاد و شش سال و نه ماهه‌ی سلسله کاسی‌ها در میان‌رودان به پایان رسید.^۵ با شکست انلیل نادین‌آهی در ۱۱۵۷ ق.م. آخرین پادشاه کاسی همانند واپسین شاه سلسله سوم اور، روانه‌ی تبعیدگاه ایلامیان شد.^۶ انلیل نادین‌آهی نیز در ۱۱۵۵ ق.م. به قتل رسید.^۷

سقوط سلسله کاسی‌ها، حادثه‌ای مهم در تاریخ آسیای غربی به شمار می‌رفت؛ زیرا هم‌زمان با فروپاشی با ثبات‌ترین سلسله‌ی تاریخ بابل، حوادث مهمی در صحنه‌ی آسیای غربی اتفاق افتاد. حکومت حیثی‌ها در بغازکوی، مدت‌ها بود که سقوط کرده بود، مصر از اختلافات داخلی رنج می‌برد، فلسطینیان به سرزمین کنعان آمده بودند، موسی قوم خود را به سوی ارض موعود هدایت می‌کرد، آرامیان شاهزادگان سوری و پادشاه آشور را تهدید

Kemal Balkan, (1954), *Kassitenstudien, 1: Die Sprache Der Kassiten*, Amrican Orintal Society 37, New Haven, pp. 70-114; Prudence O. Harper, (1992), "Mesopotamian Mouments Found at Susa", in *The Royal City of Susa: Ancient Near Eastern Treasures in The Louvre*, The Metropolitan Museum of Art, Edited by Prudence, O. Harper and others, New York, pp. 159.

1. Enlil - Nadin - Ahhe.

2. *The Lost world of Elam*, p. 126.

3. *The Babylonians: An Introduction (Peoples of the Ancient World)*, p. 50.

4. "Political History", p. 40; "Historical Implications of The Correct Rendering of Akkadian Daku", pp. 137 - 138.

5. *The Lost world of Elam*, p. 126; "Historical Implications of The Correct Rendering of Akkadian Daku", pp. 137 - 138; *The Babylonians: An Introduction (Peoples of the Ancient World)*, p. 50.

6. *The Lost world of Elam*, p. 126.

101. *The Babylonians: An Introduction (Peoples of the Ancient World)*, p. 50.

پایان فرمانروایی کاسی‌ها و علل فروپاشی آن ۱۵

می‌کردند، دوریان‌ها به شبه جزیره یونان حمله‌ور شده و هند و اروپایی‌ها یک بار دیگر به سوی آسیای غربی مهاجرت کرده بودند.^۱

طبیعتاً حوادثی که در صحنه آسیای غربی در سده دوازده پیش از میلاد، اتفاق افتاد در فروپاشی فرمانروایی کاسی‌ها نقش بسیار چشمگیری ایفا کرده است.^۲ با انقراض فرمانروایی کاسی‌ها، ایلامیان نتوانستند بابل را برای مدتی طولانی در تصرف داشته باشند زیرا احتمالاً فتح سرزمین‌های غرب ایران انرژی و توجهشان را به خود جلب کرده بود یا این‌که حضور تازه واردان مادی و پارسی را احساس می‌کردند.^۳ در نتیجه، سلسله چهارم بابل، توسط مردوک کبیت آخشو^۴ تأسیس شد.

1. *Ancient Iraq*, p.218 - 219; Alan Henderson, Gardiner, (1961), *Egypt of the Pharaohs*, Oxford University Press, pp.15-16.

۲. عباس علیزاده و آملی کورت، مهاجرت بزرگ هند و اروپایی‌ها در این زمان را علت اصلی سقوط سلسله کاسی‌ها می‌دانند. به عنوان نمونه نک: عباس علیزاده، (۱۳۸۷)، شکل‌گیری حکومت عشا بیری و کوهستانی عیلام باستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری، ص ۳۸.

3. *Ancient Iraq*, p. 229.

4. Marduk - Kabit - Ahhshu.

نتیجه

همزمان با فروپاشی فرمانروایی کاسی‌ها، در صحنه‌ی آسیای غربی، تحولات مهمی از جمله مهاجرت هند و اروپایی‌ها اتفاق افتاده است. در نتیجه، برخی پژوهشگران معتقدند، که عوامل خارجی نقش بسیار مهمی در فروپاشی فرمانروایی آنان داشته است. با توجه به بحث‌هایی که در مورد عوامل داخلی که به تضعیف حکومت کاسی‌ها انجامید، می‌توان نتیجه گرفت که علت‌العلل فروپاشی پادشاهی کاسی‌ها، ضعف و انحطاط داخلی حکومت آنها بوده است. حکومت آنان به دلیل مشکلات گوناگون داخلی، به تدریج از درون پوسیده و فرسوده شده بود. برخی از این مشکلات، ریشه در دوره‌ی بابل قدیم و شاهان پیش از آن دوره داشت که با قدرت‌گیری کاسی‌ها همچنان تداوم یافته بود. با وجود این، کشمکش با قدرت‌های همسایه و حوادثی که در صحنه‌ی آسیای غربی اتفاق می‌افتاد نیز نقش چشمگیری در فروپاشی حکومت آنان بازی کرده است. به طوری‌که آشوریان با لشکرکشی‌های پی‌درپی خود، در تضعیف هر چه بیشتر قدرت نظامی آنان کوشیدند و راه را برای حملات ایلامیان که در بهترین دوره‌ی تاریخ خود، یعنی دوره ایلام میانی، بسر می‌بردند، هموار کردند. پادشاهی دیرپای کاسی‌ها، که حدود پانصد و هفتاد و شش سال در میان‌رودان دوام آورده بود، سرانجام توسط شاهان ایلام میانی به پایان رسید.

فهرست منابع و مآخذ

- دوبلويس، لوکاس و روبارتوس و وان دراسپک، (۱۳۸۲)، *دیباجه‌ای بر جهان باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ، (۱۳۸۳)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی.
- عزت‌الله نگهبان، (۱۳۷۵)، *شوش کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- علیزاده، عباس، (۱۳۸۷)، *شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
- علی‌یف، اقرار، (۱۳۸۸)، *پادشاهی ماد*، ترجمه کامبیز میربهاء، تهران: ققنوس.
- کاژادان و دیگران، (۱۳۷۹)، *تاریخ جهان باستان*، ج ۱، ترجمه صادق انصاری و دیگران، تهران: فردوس.
- ناردو، دان، (۱۳۸۵)، *بین‌النهرین باستان*، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.

- Balkan, Kemal, (1954), *Kassitenstudien, 1: Die Sprache Der Kassiten*, Amrican Oriental Society 37, New Haven.
- Biggs, Robert. D, (1965), "A Letter from Kassite Nippur", *Journal of Cuneiform Studies*, Vol. 19, No. 4, pp. 95-102.
- Brinkman, John A, (1984), *Prelude to Empire: Babylonian Socity and Poltics, 747 - 626 B.C*, Occasional Publication of the Babylonian fund 7, Philadelphia.
- _____, (1976), *Matrials and Studies for Kassite History, 1: A Catalogue of Cuneiform Sources Pertaining to Specific Monarch of the Kassite Dynasty*, Oriental Institute of the University of Chicago.
- _____, (1968), *A Political History of Post - Kassite Babylonia (1158 - 722 B.C)*, *Analecta Orentalia* 43, Rome: Pontificium Institutum Biblicum.
- _____, (1963), "Provincial Administration in Babylonia under the Second Dynsty of Isin", *Journal of the Econamic and Social History of The Orient*, Vol. 6, pp. 233 - 242.
- Campbell, Thompson. R and M. E. L. Mallwan, (1931/32), "The British Museum Excavation at Nineveh", *Lirverpool Anal of Archeology and Anthropology*, Vol. 20, pp. 71 - 186.
- Eiler, Wilhelm, (1982), *Geographische Namengebung in und um Iran*, Verlag der Bayerischen Akademie der Wissenschaften, Munich.
- Gardiner, Alan Henderson, (1961), *Egypt of the Pharaons*, Oxford University Press.
- Gasche, Hermann and others, (1998), "Dating the Fall of Babylon", in *Mesopotamia History and Environment*, Edited by L. De. Meyer and H. Gasche, University of Ghent, pp. 1 - 104.
- Glassner, Jean - Jaccques, (2004), *Mesopotamian Chronicles*, Edited by Benjamin R. Foster, Society of Biblical Literature Atlanta.
- Goff Meade, C, (1968), "Luristan in The first half of The first Millennium B.C.", *Journal of Persan Studies*, Vol. 6, pp. 105 - 134.
- Heinz, Marlies, (1995), "Migration und Assimilation im 2. Jt. V. Chr.: Die Kassiten", in *Zwischen Euphrat und Indus. Aktuelle Forschungsprobleme in der Vorderasiatischen Archäologie*, K. Bartl and others, Hildesheim/New York, pp.165 - 174.
- Hinz, Walther, (1972), *The Lost world of Elam*, Sidgwick and Jackson, London.
- Kramer , Samuel Noah, (1963), *The Sumerians*, University of Chicago Press.
- King. Leonard William, (1969), *A History of Babylon, From The Foundator of the Persian Conquest*, AMS Press, New York.